

مطالعات باستان‌شناسی، دوره ۱۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۹
(از ص ۲۶۷ تا ص ۲۸۳)



[10.22059/jares.2020.201804.142561](https://doi.org/10.22059/jares.2020.201804.142561)
Online ISSN: 2251-9297 Print ISSN: 2676-4288-
<https://jares.ut.ac.ir>

Archaeological analysis and investigations on Shaharyeri in Ardabil province

Alireza Hejebri Nobari

*Professor, Department of Archaeology, Faculty of Humanities
University of Tarbiat Modares*

Hamid Khanali

Postdoctoral Researcher, Research Institute of Cultural Heritage & Tourism

Anil Yilmaz

*Associate Professor, Department of Archaeology, Faculty of Humanities
University of Çalebi Oglu*

Seyed Mehdi Mousavi Kuhpar

*Associate Professor, Department of Archaeology, Faculty of Humanities
University of Tarbiat Modares*

Received: 30 December, 2018; Accepted: 21 September, 2020

Abstract

The Late Bronze Age and Iron Age I represent significant alterations in material and non-material culture of people living in the Iranian plateau. The knowledge and taking advantage of iron were as a tremendous discovery in this period that has overshadowed all aspects of human life those days. The societies, by passing the Iron Age and having potential for globalization, have paved the way for establishing the vast empires. Therefore, this period can be called the period of the protohistory of Iran.

One of the most significant and important sites indicating these developments in northwestern Iran is the Shaharyeri archeological site in Meshkinshahr, Ardabil province. This site was discovered following surveys of Charles Burney in 1978 in northwestern Iran, and studied under the supervision of Alireza Hejbari Nobari during 2003-2005 with the aim of identifying the Iron Age cultures of northwestern Iran. We can study the Iron Age cultural indices of the east part of northwest Iran in a continuous cultural context. The most important architectural remain, from the formation period, is an early temple that included slab stones, mortar and mud brick, and monoliths that laid to the structure. Semi pastoralist societies populated the site since Late Bronze Age and Early Iron Age following constructing a basic temple, whereas developed during Middle Iron Age by construction of citadel and a vast cemetery with up to 500 anthropomorphic monoliths next to a temple. Concluding remarks shows that formation of settlement at Middle and Late Bronze ages and archaeological marker of mentioned period is early temples and development of nomadic culture.

Keywords: Northwest of Iran, Eastern Azerbaijan basin, Iron Age culture, Bronze Age culture, Shaharyeri site

بررسی و تحلیل باستان‌شناختی محوطه شهریری استان اردبیل

علیرضا هژبری نوبری*

استاد گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

حمید خانعلی

پژوهشگر پست دکتری، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری

یلماز آتیل

دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه چلبی اوغلو

سید مهدی موسوی کوهپر

دانشیار گروه باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۰۹؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۳۱

چکیده

عصر مفرغ متاخر و آهن I از نظر فرهنگی نشانگر تحولاتی بسیار مهم در ساختار فرهنگ مادی و معنوی مردمان ساکن فلات ایران است. شناخت و استفاده از آهن در این دوره به مثابه کشف عظیمی بود که در تمام زوایای زندگی بشر آن روز پایه افکند. زمینه‌های ایجاد امپراطوری‌های گسترده در پی این دوره بر پایه‌های جامعه‌ای استوار گشت که با سپری کردن عصر آهن، پتانسیل جهانی شدن یافته بود؛ لذا می‌توان این برهه را دوره آغاز تاریخی ایران نامید.

یکی از شاخص‌ترین و مهم‌ترین محوطه‌های نشانگر این تحولات در شمال غرب ایران، محوطه باستانی شهریری در مشکین شهر استان اردبیل است که در طی بررسی‌های چالز برنی شناسایی شده و طی سه فصل کاوش باستان‌شناختی طی سال‌های ۱۳۸۲، ۸۳، ۸۴ به سرپرستی نگارنده (علیرضا هژبری نوبری) با هدف شناسایی فرهنگ‌های عصر آهن حوزه شرقی شمال غرب ایران مورد مطالعه قرار گرفت. در این محوطه می‌توان شاخصه‌های فرهنگی عصر آهن حوزه شرقی شمال غرب را در بستر فرهنگی پیوسته‌ای مطالعه نمود. وجود قلعه‌ای استحکاماتی با بهره‌گیری از موانع طبیعی دفاعی، گورستان پراکنده در اطراف محوطه و فضای آیینی همراه با سنگ افراشته‌های انسان ریخت از مهمترین قسمت‌های شناخته شده حاصل از کاوش‌های باستان‌شناختی محوطه شهریری می‌باشد. نتایج مطالعات انجام یافته در قلعه شهریری نشان می‌دهد که شکل‌گیری محوطه از اواخر دوره مفرغ میانی و مفرغ متاخر بوده و نمود باستان‌شناسی این دوره معبد اولیه و استقرارهای کوچ نشینی است. توسعه محوطه در دوره آهن بوده و نمود باستان‌شناسی آن قلعه استحکاماتی، معبد شهریری و گورستان وسیع می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: شمال غرب ایران، حوزه شرقی آذربایجان، فرهنگ‌های عصر آهن، محوطه شهریری، سنگ‌افراشته انسان-ریخت.

۱. مقدمه

در عصر مفرغ متاخر و آهن I از نظر فرهنگی شاهد تحول ساختارهای فرهنگ مادی و معنوی مردم ساکن فلات ایران هستیم. شناخت و استفاده از آهن در آن زمان و خصوصاً در عصر آهن II به مثابه کشف عظیم در جامعه بشری بود که در تمام زوایای زندگی بشر آن روز سایه افکند. زمینه‌های ایجاد امپراطوری‌های گسترده که در پی دوره آهن بوجود می‌آید بر پایه‌های جامعه‌ای استوار گشت که با سپری کردن عصر آهن، پتانسیل جهانی شدن یافته بود؛ لذا به حق می‌توان از این دوران با عنوان دوره آغاز تاریخی ایران نام برد (خانعلی، ۱۳۹۷: ۱). یکی از مهمترین مناطق تاثیرگذار در تحولات این عصر، شمال غرب ایران است. باید اذعان کرد حوضه مذکور دارای چهره‌های مختلف جغرافیایی از قبیل نواحی جلگه‌ای، کم آب و کوهستانی است. حوضه شرقی شمال غرب ایران شامل مناطق کوهستانی می‌باشد که رشته کوه‌های قره داغ و طالش از جمله مهمترین آنها می‌باشند. استان اردبیل در حوضه شرقی شمال غرب ایران به واسطه شرایط جغرافیایی و اقلیمی همچون ناهمواری‌ها، شرایط کوهستانی منطقه، بارش و پوشش گیاهی متفاوت و همچنین موقعیت ارتباطی آن با مناطق قفقاز در طی سالیان متمادی بر زندگی مردمان تاثیر بسیار زیادی گذاشته است. این استان به واسطه موقعیت سوالجیشی خود مسیر ارتباطی مهمی در روابط دو سوی رودخانه ارس است. باید اذعان کرد این ارتباط در عصر مفرغ متاخر و آهن یکی از عوامل تحولات صورت گرفته در این منطقه بوده؛ هرچند که عمده این تحولات به واسطه عوامل درون منطقه‌ای ظهور کرده است (هژبری نوبری و همکاران، ۱۳۹۷: ۲).

فرهنگ‌های عصر آهن در این حوضه ساخت قلاع استحکاماتی توأم با قبرستان‌های خارج از قلعه می‌باشد که از جمله موارد شناخته شده، می‌توان از محوطه شهریری (هژبری نوبری ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴)، محوطه قلعه بوینی یوغون (پورفرج، ۱۳۹۱)، محوطه قلعه خسرو (رضالو، ۱۳۸۶)، محوطه قایالیق (خانعلی، ۱۳۹۳) نام برد. محوطه دیگری از این دست در شهرستان اهر استان آذربایجان شرقی توسط کمال الدین نیکنامی کاوش گردیده است (کاظم‌پور، ۱۳۹۱). در این میان محوطه شهریری به لحاظ وجود قلعه استحکاماتی با وسعت بالا و ویژگی‌های سوق‌الجیشی منحصر بفرد و حضور فرهنگ سنگ افراشت‌های انسان ریخت و قسمتی از محوطه با کارکرد آیینی در یک بستر مکانی از اهمیت به سزایی در مطالعات عصر آهن منطقه برخوردار است. پژوهش حاضر در نظر دارد ابتدا مهمترین شاخصه‌های فرهنگی فاز شکل‌گیری (عصر مفرغ میانی و متاخر) و فاز توسعه (عصر آهن) محوطه شهریری را مورد بحث قرار داده و در نهایت روند این تحولات را مورد بررسی قرار دهد. لازم به توضیح است پژوهش حاضر از نوع تحلیلی بوده که با مطالعه و تحلیل نتایج فعالیت‌های میدانی موجود انجام پذیرفته است. در نهایت از مطالعات آزمایشگاهی (سالیابی ترمولومینسانس) جهت گاهنگاری چهار نمونه سفال محوطه از دوره شکل‌گیری و توسعه استفاده شده است (خانعلی، ۱۳۹۷).

۲. پیشینه پژوهشی

از سوم تا سی‌ام آگوست ۱۹۷۸ م. چارلز برنی به همراه رابرت بیولی^۱، مایکل لوید اینگرام^۲ و جفری سامرز^۳ منطقه‌ی مشگین‌شهر را مورد بررسی قرار دادند (Ingraham and Summers 1979, 67) در نتیجه‌ی

¹ Robert Bewley

² Michel Lioyd Ingraham

³ Geffrey Summers

این بررسی ۷۶ محوطه شناسایی گردید که مجموعه‌ی باستانی شهریری به همراه مکتب اوشاقلاری [این سایت در گزارش چارلز برنی با نام "قلعه ارجق" معرفی شده (Burney 1979, 155)] که بر گرفته از نام روستایی در ۶ کیلومتری آن می‌باشد [از آن جمله بود (Ingraham and Summers 1979, 67)]. در سال ۱۹۷۹ م. چارلز برنی گزارش بررسی مشگین شهر را منتشر ساخت که بخش اعظم آن اختصاص به توصیف و معرفی مجموعه‌ی باستانی شهریری داشت (Burney 1979, 155-56). در همان سال آقایان مایکل لوید اینگراهام و جفری سامرز (همکاران چارلز برنی در بررسی مشگین شهر) گزارشی از مجموعه‌ی باستانی قلعه ارجق [شهریری] منتشر ساختند (Ingraham and Summers 1979, 70-86). این محوطه در سال ۱۳۸۱ با شماره ۶۱۶۲ در فهرست آثار ملی ثبت گردید. مرتضی حصار و حسن اکبری در جریان پروژه بررسی‌های استان اردبیل این مجموعه را بررسی نمودند (ابتهاج، ۱۳۸۲: ۷۹). در سال بعد میر روح اله محمدی در نتیجه‌ی یک بررسی مقدماتی به معرفی قبور و سنگ‌افراشته‌های مجموعه پرداخته است (محمدی، ۱۳۸۲، ۵۷-۶۵). از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ نیز طی سه فصل کاوش باستان‌شناسی به سرپرستی علیرضا هژبری نوبری این محوطه مورد مطالعه و بررسی قرار گرفت (هژبری نوبری، ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴). سپس خانم ویدا ابتهاج در پایان نامه‌ی مقطع کارشناسی ارشد خود با موضوع "بررسی ساختار معماری قبور کلان سنگی عصر آهن ایران، مطالعه موردی محوطه باستانی شهر یثری، استان اردبیل" به معماری قبور پرداخته در سایت مکتب اوشاقلاری نیز اشاره کرد (ابتهاج، ۱۳۸۲، منتشر نشده). طی سال‌های ۱۳۸۴-۸۵ مجموعه‌ی باستانی شهریری توسط علیرضا هژبری نوبری در دو فصل مورد کاوش قرار گرفت (هژبری نوبری، ۸۵-۱۳۸۴ منتشر نشده). همچنین رساله دکتری اکبر پورفرج در خصوص بازنگری عصر آهن منطقه به تبیین جایگاه محوطه شهریری در جدول گاهنگاری شرق شمال غرب ایران پرداخته است. آخرین پژوهش در خصوص محوطه شهریری به بررسی روابط فرهنگی شمال غرب ایران و قفقاز بر اساس سنگ‌افراشته‌های انسان ریخت پرداخته که مقاله حاضر مستخرج از این رساله است (خانعلی، ۱۳۹۷).

۳. موقعیت جغرافیایی محوطه شهریری

محوطه باستانی شهریری با مساحتی بالغ بر ۲۰۰ هکتار بر روی بستری سنگی در فاصله ۱/۵ کیلومتری شرق روستای پیرآزمیان از توابع مشکین شهر، دهستان نقدی از بخش مشکین شرقی قرار گرفته است. این مجموعه در ۷۰ کیلومتری شمال غرب شهر اردبیل، ۴۰ کیلومتری شمال شرق مشکین شهر با مختصات جغرافیایی ۴۷ درجه، ۵۶ دقیقه طول و ۳۸ درجه، ۳۳ دقیقه عرض و ارتفاع ۱۱۶۵ متر از سطح دریا واقع شده است (نقشه ۱).



نقشه ۱: موقعیت محوطه باستانی شهریری در شمال غرب ایران (نگارندگان)

شرقی‌ترین قسمت مجموعه شهریری، محوطه قلعه است. در حقیقت واژه شهریری از طرف ساکنان منطقه به محوطه قلعه اطلاق می‌گردد. این محوطه در یک کیلومتری شمال‌شرق روستای پیرازمیان، در بلندترین قسمت مجموعه واقع شده و رودخانه قره سو از طرف شمال و شرق آن را از زمین‌های اطراف جدا نموده و در عین حال به عنوان عنصری طبیعی دفاعی، موقعیت فوق‌العاده ای را برای آن فراهم آورده است. رودخانه قره سو بزرگترین رود منطقه و در حقیقت مهمترین عارضه طبیعی دشت مشگین‌شهر بوده که اهمیت بسزایی در تشکیل استقرارهای پیش از تاریخی و تاریخی این منطقه داشته و محیط و ظرفیت لازم برای ساخت مجموعه شهریری را ایجاد نموده است. این رود خانه از سه جهت محوطه قلعه را در بر گرفته است (نقشه ۲). باید اشاره کرد سابقه استقرار در پهن‌دشت محوطه متعلق به دوره مس و سنگی است (هژبری‌نوبری و پورفرج، ۱۳۸۵).



نقشه ۲: موقعیت قرارگیری قسمت‌های مختلف مجموعه نسبت به یکدیگر (نگارندگان)

۴. مطالعه باستان‌شناسی آثار دوره مفرغ میانی و متاخر

در فاصله ۱۷ متری شرق حصار قلعه و در نیمه شمالی آن، معبد اولیه محوطه شهریری در دوره مفرغ متاخر ایجاد شده است (پورفرج، ۱۳۸۶: ۳۸۰-۴۰۲). این معبد در مختصات *UTM* جغرافیایی ۴۲۷۱۳۷۶-۰۷۵۵۳۶۳ و ارتفاع ۱۱۴۴ متر قرار گرفته است.

مهمترین آثار معماری بدست آمده از دوره مفرغ متاخر و آهن I در کاوش‌های باستان‌شناسی محوطه شهریری معبد اولیه است. که شامل دیواری از لاشه سنگ‌ها، ملاط گل و سنگ افراشت‌های تکیه داده به آنها می‌باشد. با توجه به قطعات چینه یافته شده در این قسمت به نظر می‌رسد از چینه نیز برای استحکام در این سازه استفاده شده است. پلان این سازه حالت نیمه مدور داشته که سنگ افراشت‌ها در روبروی هم قرار گرفته‌اند. در قسمت غرب این فضا اتاقی به ابعاد ۴/۵×۳ دیده می‌شود که در داخل آن سکویی قرار گرفته است. به نظر می‌رسد این فضا الحاقی به معبد بوده و به عنوان اتاق هدایا و سکوی هدایا کاربرد داشته است (هژبری‌نوبری، ۱۳۸۴؛ پورفرج، ۱۳۸۶: ۳۸۱). دو فضای معماری شناسایی شد که در حقیقت می‌توان آن را معبد اولیه نامید (تصویر ۵-۲).

فضای A: این فضا شامل دیواری از لاشه سنگ‌ها، ملاط گل و سنگ افراشت‌های تکیه داده به آنها می‌باشد. با توجه به قطعات چینه یافته شده در این قسمت به نظر می‌رسد از چینه نیز برای استحکام در این

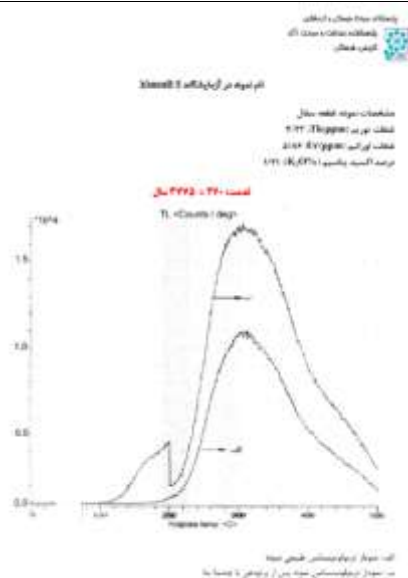
سازه استفاده شده است. پلان این سازه نیمه مدور داشته که سنگ‌افراشت‌ها در روبروی هم قرار گرفته‌اند. سنگ‌افراشت‌های قرار گرفته در این قسمت به لحاظ نحوه چینش مشابه محوطه معبد بوده ولی در جنس سنگ و عدم وجود تصاویر انسانی تفاوت‌هایی دیده می‌شود. در این قسمت نیز استفاده از سنگ‌های رودخانه‌ای و استفاده از سنگ‌افراشت‌های کوچک مقابل سنگ‌افراشت‌های بزرگ قابل مشاهده می‌باشد.

فضای B: یکی از مهمترین بخش‌های معماری این ترانشه وجود نوعی سازه در غرب ترانشه و با ابعادی در حدود ۴۵×۳ در پشت سنگ‌افراشت‌ها با پلان تقریباً مربع شکل که از لاشه سنگ‌های بزرگ ساخته شده و در کف سازی آن از صخره طبیعی استفاده شده است. در داخل این فضا، یک سازه کوچک تقریباً مدور دیده می‌شود که داده‌های فرهنگی از قبیل ظروف سفالین خاکستری، اشیاء مفرغی شامل مفتول‌های مفرغی، سنجاق سر، دستبند و مقادیری استخوان انسانی و حیوانی یافت شده است. به نظر می‌رسد این قسمت به عنوان سکوی هدایا کاربرد داشته است (پورفرج، ۱۳۸۶: ۳۸۱) (تصویر ۱).



تصویر ۱: معبد رو باز اولیه واقع در داخل قلعه متعلق به فاز شکل‌گیری محوطه (نگارندگان)

پژوهش‌های پیشین در محوطه شهریری نشان می‌دهد استقرار اولیه ایجاد شده در این محوطه به صورت جوامع با اقتصاد معیشتی دامداری و شیوه معیشتی نیمه کوچ‌نشینی بوده است، همچنین با مقایسه تطبیقی سفال‌های یافت‌شده فاز شکل‌گیری این محوطه هم‌زمان با ایجاد معبد اولیه، در عصر مفرغ متاخر پیشنهاد شده است (پورفرج، ۱۳۷۸، ۴۰۲). در این خصوص تعداد دو نمونه از داده‌های سفالی این دوره جهت انجام آزمایش‌های سالیابی ترمولومینسانس انتخاب گردید (نمونه‌های ترمولومینسانس ارائه شده در این مقاله در آزمایشگاه پژوهش‌کده مرمت پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری کشور در سال ۱۳۹۶ مورد آزمایش قرار گرفته‌اند). نمونه شماره ۱ قدیمترین نمونه سفال گاهنگاری شده این مجموعه است. این نمونه شامل بخش دسته سفال، به رنگ خاکستری روشن است که از میان داده‌های کاوش‌های سال ۱۳۸۵ محوطه انتخاب گردیده است. این نمونه متعلق به محدوده زمانی 1758 ± 270 ق.م می‌باشد (نمودار ۱).



نمودار ۱: نمودار ترمولومینسانس نمونه شماره ۱ (خانعلی، ۱۳۹۷: ۴۴۸)

دومین نمونه متعلق به این دوره، در طی نمونه برداری سال ۱۳۹۶ توسط نگارندگان (حمید خانعلی) از محدوده معبد اولیه بدست آمده است. این نمونه متعلق به فاز اواخر استفاده از معبد اولیه می‌باشد که از فاصله ۵۰ سانتی‌متری ترانشه معبد اولیه عمق ۵۰- سانتی‌متر برداشت شده است. این نمونه متعلق به بخش گردن ظرف سفالی به رنگ خاکستری می‌باشد. این نمونه متعلق به محدوده زمانی 1471 ± 259 ق.م می‌باشد (نمودار ۲).



نمودار ۲: نمودار ترمولومینسانس نمونه شماره ۲ (خانعلی، ۱۳۹۷: ۴۴۴)

۵. مطالعه باستان‌شناسی آثار دوره آهن

سه مؤلفه اصلی در محوطه شهریری در عصر آهن I و II مویده پیشرفت، توسعه و اوج‌گیری محوطه در عصر آهن می‌باشد، که شامل موارد زیر است.

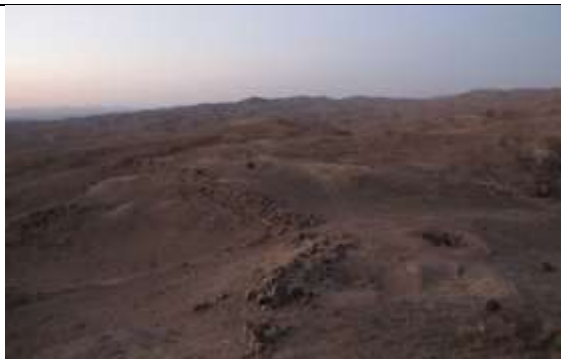
- ۱- ساخت قلعه به وسعت ۳۵ هکتار با دیوار دفاعی به طول ۵۲۲ متر
- ۲- ساخت معبد با تعداد زیاد سنگ افراشت انسان ریخت با راهروها و فضاهای جانبی
- ۳- گسترش فضای گورستان

۵-۱. محوطه قلعه شهریری

بر بلندی‌های کوهستان سمت شمال روستا ردیفی از سنگ‌ها دیده می‌شود (تصویر ۵) این ردیف سنگی، دیواری دفاعی بوده که به گفته برنی می‌توانسته شهر را به دو بخش سفلی و علیا تقسیم کرده باشد (Ingraham-Summers, 1979, 7). محدوده داخل حصار قلعه حدود ۳۵ هکتار می‌باشد. طول ظاهری دیوار دفاعی قلعه ۵۲۲ متر و طول حقیقی آن با افزودن ۱۲ متر به سمت دره که تخریب شده به ۵۳۴ متر می‌رسد و پهنای دیوار حداقل ۱۶۰ سانتی‌متر و حداکثر ۲۵۰ سانتی‌متر است. در طول این دیوار آثار ۵ برج و ۴ دروازه قابل مشاهده است که دروازه ورودی اصلی در انتهای جنوبی شهر سفلی و ورودی دیگری نیز در شرق شهر سفلی وجود داشت که با دیوارهای عظیم و دو برج محافظت می‌شد. دیوار دفاعی با استفاده از سنگ‌های نتراشیده بزرگ ساخته شده و میان آنها را با سنگ‌های نسبتاً کوچکتر پر می‌کرده‌اند (تصویر ۲). قطر دیوار حصار بین ۱۴۰ تا ۱۵۰ سانتی‌متر بوده که نزدیک دروازه به ۲۰۰ سانتی‌متر می‌رسد. عرض دروازه نیز ۵/۵ متر است.

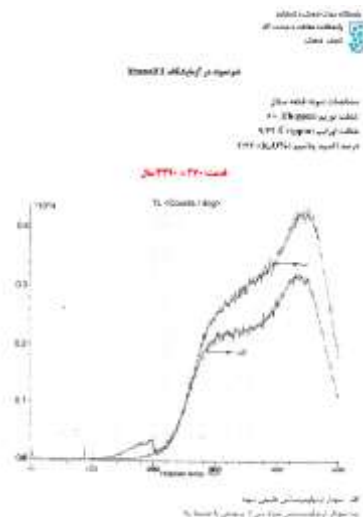
برج اول از سمت جنوب به شکل دایره‌ای و ابعاد ۳×۳ متر، برج دوم بشکل دوزنقه به ابعاد $۵/۳ \times ۵/۶$ × $۶/۹ \times ۷/۵$ متر، برج دیده‌بانی دیواره شرقی ۸ متر، دیواره غربی $۷/۲$ متر و دیواره شمالی و جنوبی $۶/۵$ متر، برج چهارم بشکل دوزنقه به ابعاد $۵/۱ \times ۸/۵ \times ۵/۳ \times ۹/۶$ متر و برج پنجم دیواره شرقی $۶/۶$ متر، جنوبی $۸/۵$ متر، غربی $۵/۷$ متر و شمالی $۶/۳$ متر می‌باشند. برج‌ها دارای شمع‌های داخلی و خارجی بوده‌اند. در جهت شمال-غرب قلعه پرتگاهی وجود دارد که عظمت خاصی را به این محوطه بخشیده و حصاری طبیعی در این قسمت از قلعه را به وجود آورده است. پس از گذر از این حصار در داخل قلعه می‌توان در سطوح مختلف تراس‌های قلعه و فضاهای معماری بر روی آنها مشاهده نمود. توپوگرافی قلعه به طور طبیعی به چند تراس با آثار معماری قابل تقسیم است. این فضاها در ۴ قسمت به چشم می‌خورند که برنی معتقد است همه آنها با هم همزمان هستند و دلیل این همزمانی را چنین بیان می‌کند:

« بعضی از بناهای داخلی با دیوارهای دفاعی و ورودی‌ها مرتبط هستند، بنابراین می‌توان ادعا کرد که برخی از بناها با هم در ارتباط بودند. در هر صورت این استحکامات بخشی از شهر را نشان می‌دهند، اما بی‌قاعدگی که بدلیل توپوگرافی تیغه‌های کوهستان در نقشه این محوطه بوجود آمده، آنرا بسیار نامنظم جلوه داده است» (Ibid, 71).



تصویر ۲: دیوار دفاعی قلعه شهریری (نگارندگان)

دو نمونه از هفت نمونه سالیابی شده متعلق به فاز توسعه می‌باشد که هر دو قطعه سفال از قلعه نمونه- برداری شده است. نمونه شماره ۳ از عمق ۱۳۰- داخل قلعه برداشت شده که با تاریخ 1373 ± 270 گاهنگاری شده است (نمودار ۳).



نمودار ۳: نمودار ترمولومینسانس نمونه شماره ۳ (خانعلی، ۱۳۹۷: ۴۴۹)

نمونه شماره ۴ که تاریخ 883 ± 220 ق.م را نشان می‌دهد؛ از فوقانی‌ترین لایه کنار ترانسه مماس دیوار دفاعی قلعه برداشت شده و نشان دهنده آخرین فازهای استقرار قلعه می‌باشد (نمودار ۴).



نمودار ۴: نمودار ترمولومینسانس نمونه شماره ۴ (خانعلی، ۱۳۹۷: ۴۵۰)

۵-۲. محوطه گورستان شهریری

گورستان محوطه شهریری شامل قبور بسیاری بوده که در سطح محوطه پراکنده هستند. در دامنه شمال غربی محوطه قلعه تراکم گورها بسیار بالاتر می‌باشد (ابتهاج، ۱۳۸۳: ۱۰۶). تدفین‌های انجام شده در محوطه شهریری در دو گروه بررسی شده است. گروه اول به صورت قبور پراکنده در اطراف قلعه می‌باشد که در مجموع شامل ۲۷۸ قبر بوده که در شعاع پنج کیلومتری قلعه پراکنده می‌باشد. گروه دوم شامل قبرستان منسجمی متشکل از ۲۰۰ قبر می‌باشد که در پنج کیلومتری قلعه قرار گرفته است (پورفرج، ۱۳۸۶: ۳۰۱-۳۰۴). قبور شهریری از لحاظ ظاهری در سه گروه اصلی قابل تقسیم بندی است که شامل ۱- قبور نوع کروملج ۲- صندوقی ۳- اتاقی است. پراکندگی قبور بیشتر در شمال غرب قلعه و پیرامون محوطه معبد بوده و در دشت‌ها و دره‌های اطراف نیز شاهد پراکندگی این قبور هستیم. اکثر قبور دارای جهات شمالی- جنوبی، ۴۳ قبر جهت شرقی- غربی، ۳۹ قبر جهت شمال غربی - جنوب شرقی بوده و ۲۶ قبر نیز به دلیل مضطرب بودن، جهتشان مشخص نشده است. لازم به توضیح است که گورهای با جهات شرقی - غربی بیشتر در جنوب شرق و جنوب غرب محوطه قرار گرفته است. نوع تدفین‌های انجام گرفته در آن‌ها به صورت جنینی بوده است. عموماً محتویات عمده داخل گورها به دست قاچاقچیان به غارت رفته است (تصویر ۳) (ابتهاج، ۱۳۸۳).



تصویر ۳: قبور نوع اتاقی شناسایی شده در گورستان محوطه شهریری (نگارندگان)

۳-۵. معبد

از جمله نتایج کاوش مجموعه شهریری شناسایی محدوده آئینی در قسمت مرکزی محوطه باستانی شهریری است که توسط بومیان منطقه "مکتب اوشاقلاری" نامیده می‌شود. این مکان با مساحتی قریب ۲۲۰۰ متر مربع، فضایی با ۷ راهرو به طول ۱۵ الی ۲۵ متر و عرض ۱ الی ۳ متر را شامل است که کف آنها در بعضی موارد توسط سنگهای تخت همراه با خاک قرمز کوبیده شده و در بعضی موارد دیگر نیز توسط اندودی قرمز رنگ و کوبیده شده به ضخامت ۵ الی ۱۰ سانتی‌متر پوشیده شده است. هر دو طرف این راهروها تعداد بیش از ۵۰۰ سنگ افراشت (*Stela*) منقور به نقوش استلیزه انسانی با ارتفاعی متغیر بین ۳۵ الی ۲۳۰ سانتی‌متر و اشکال متنوع بشکل‌های مکعب مستطیل و یا مخروطی که به دیواره‌هایی با فونداسیونی متشکل از لاشه سنگ‌های همراه با ملاط گل تکیه داده و در برخی موارد جلو پای آنها سنگ تختی بعنوان سکوی هدایا قرار گرفته، تزئین شده‌اند (تصویر ۴ و ۵).

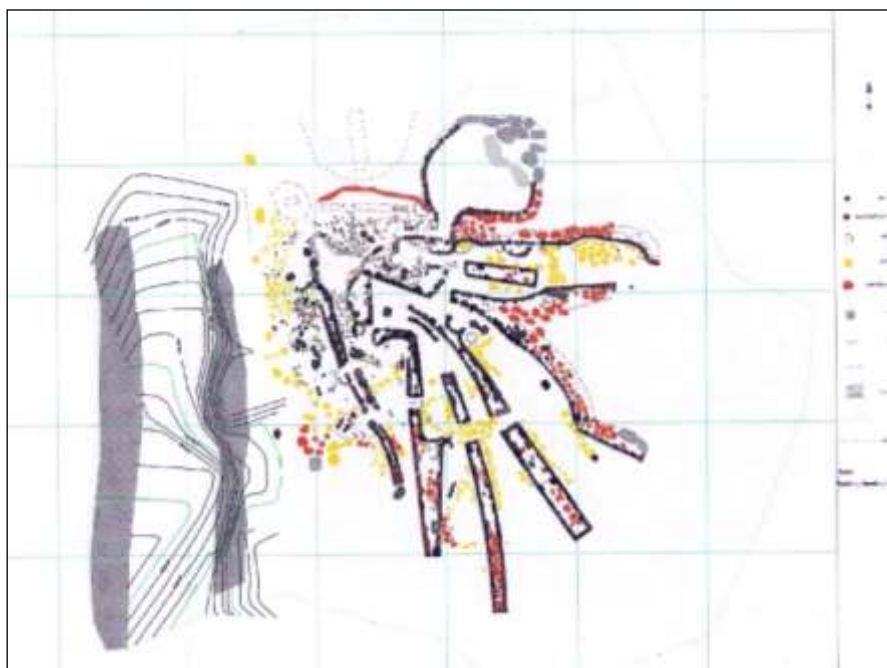


تصویر ۴- نمای کلی فضای آئینی (محوطه معبد) (نگارندگان)



تصویر ۵- نمایی کلی از کریدور ۴ محوطه سنگ افراشت‌های انسان ریخت (نگارندگان)

مهمترین عنصر معماری معبد پشت‌بندهایی هستند که بوسیله سنگ‌های نسبتاً بزرگ و کوچک با استفاده از ملاط گل که روی آن را به احتمال زیاد با چینه چند رج بالا می‌آورند کار می‌شده است. در برخی قسمت‌ها از صخره طبیعی به عنوان پشت‌بندها استفاده شده است. در دو طرف این پشت بندها سنگ‌افراشت‌ها را به صورت پشت به پشت افراشت کرده و تکیه‌گاه دیگری در جلو آن‌ها به صورت لاشه سنگ‌هایی به کار می‌رفت که زیر سنگ‌افراشت‌ها قرار داده می‌شد. در مواردی مشاهده می‌شود که با قرار دادن چندین سنگ‌افراشت روبروی هم یک فرم دایره و نیم‌دایره ایجاد شده است و در میان آنها تخته سنگ‌هایی به عنوان سکوی هدایا و یا در کف معبر قرار گرفته است (نقشه ۳).



نقشه ۳- پلان فضای آیینی سنگ افراشت‌ها (وضعیت کریدورهای معبد) (نگارندگان)

در پای سنگ‌افراشت‌های انسان‌ریخت‌نذوراتی اعم از سفال و اشیای زینتی قرار داده شده‌اند که همین امر فرضیه آیینی بودن این مکان را قوت می‌بخشد. همچنین در قسمت میانی محلی که کریدورها به یکدیگر پیوند می‌خورند فضایی مدور متشکل از سنگ‌افراشت‌های انسان‌ریخت‌نقش‌دار و بدون نقش دیده می‌شود. همچنین در قسمت شرق آن و مماس با محوطه مقدس تجمعی از قلوه سنگ‌های رودخانه‌ای وجود دارد که هیچ کدام منقور نبوده و به صورت افراشته چیده شده‌اند که در پای آنها نذورات متعددی بدست آمده است. در شمال شرق این قسمت و جنوب قبر بزرگ یک سنگ بزرگ نیم‌دایره‌ای مشاهده می‌شود که احتمالاً به عنوان سکوی هدایا کاربرد داشته است. از جمله هدایایی که در کاوش‌ها بدست آمده می‌توان به سفال، خنجر، دستبند مفرغی و مهره‌هایی از جنس عقیق، لاجورد، مفرغ و خمیر شیشه اشاره نمود (تصویر ۶).



تصویر ۶- بخشی از هدایای بدست آمده در میان سنگ‌افراشت‌های انسان‌ریخت (نگارندگان)

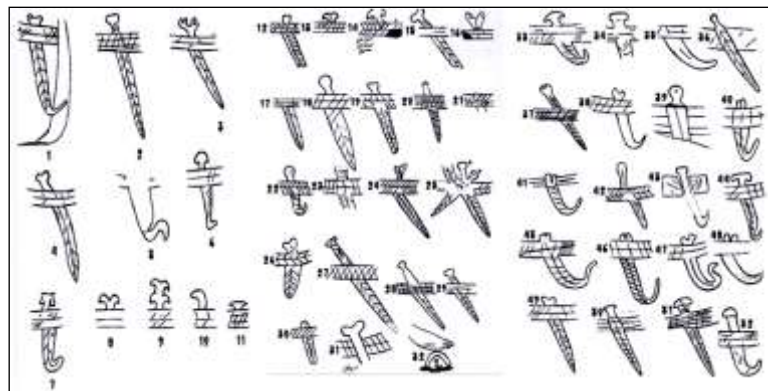
نتایج کاوش در محدوده معبد نشان می‌دهد که معبد در دو مرحله ساخته و تکمیل شده است. به نظر می‌رسد پس از پر شدن و انباشت شدن زباله‌ها در محل قرار گرفتن هدایای مرحله اول، دوباره در لایه‌های بالایی سنگ‌های تختی در جلوی سنگ‌افراشت‌های انسان‌ریخت‌نقش‌دار قرار داده و سنگ‌افراشت‌های انسان‌ریخت دیگری نیز در مرحله دوم اضافه شده که در سطح بالاتری از سنگ‌افراشت‌های انسان‌ریخت‌نقش‌دار مرحله اول قرار گرفته‌اند. باید اذعان کرد در مرحله دوم محوطه از سنگ‌افراشت‌های انسان‌ریخت پر شده و بیشتر معابر سنگ فرش شده است. اما باید افزود پلان معبد در مرحله اول کامل شده و در مرحله دوم بر تعداد سنگ‌افراشت‌های انسان‌ریخت افزوده شده تا در نهایت معبد به صورت کنونی شکل یافته است. بعضاً سنگ‌های کوچک رودخانه‌ای را که قبلاً برای سفت و محکم کردن پایه سنگ‌افراشت‌های انسان‌ریخت به‌کار می‌رفته‌اند به عنوان سنگ‌افراشت استفاده شده است. این وضعیت در شمال غرب محدوده معبد قابل مشاهده است (خانعلی، ۱۳۹۷: ۲۱۳).

در حالت کلی سنگ‌افراشته‌های انسان ریخت مجموعه ضمن وجود تشابهات کلی، دارای تفاوت‌های متعددی در جزئیات می‌باشد. این تفاوتها در اندازه، نوع نقش صورت، نوع کمربند، وجود یا عدم وجود سلاح، نوع سلاح، اندازه و موقعیت قرارگیری، شیوه نقش، شکل هندسی سنگ افراشته انسان ریخت و ... می‌باشد. سنگ‌افراشته‌های شهریری، منقور به نقوش بسیار تجربیدی و مسبک انسانی با استفاده از نوعی هنر دو بعدی سنگ-تراشی ساخته شده‌اند. نکته مشترک تمامی سنگ‌افراشته‌های انسان ریخت مجموعه عدم وجود دهان (به جز در دو مورد که دو خط به عنوان دهان نقر شده است) می‌باشد (تصویر ۷).



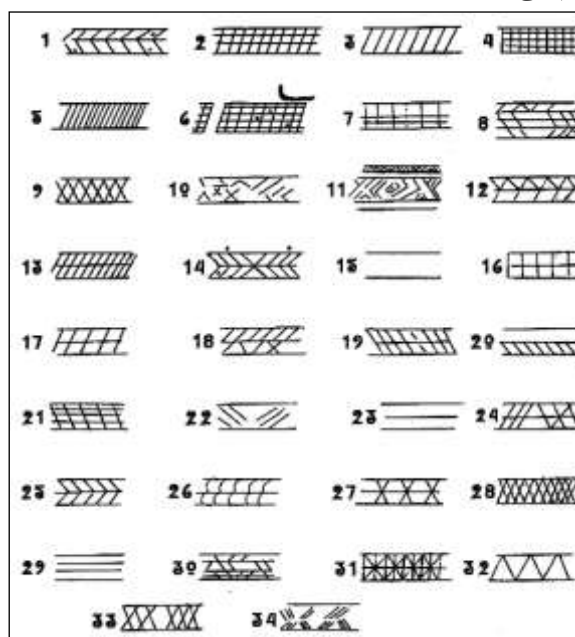
تصویر ۷: نمونه‌ای از سنگ‌افراشته‌های انسان ریخت محوطه شهریری (نگارندگان)

از مهمترین وجوه افتراق سنگ‌افراشته‌های انسان ریخت شهریری مسلح بودن یا عدم وجود سلاح می‌باشد. از طرفی در شکل سلاح تفاوت‌هایی دیده می‌شود (طرح ۱) به استثنای یک مورد که دو سلاح دارد، همگی نمونه‌ها با یک سلاح نقش شده است. در هر راهرو سنگ‌افراشته‌های انسان ریخت مسلح و بی‌سلاح در کنار هم شناسایی شده‌اند و از ظاهرشان برمی‌آید جنگجویان و سربازان مسلح به شمشیر و خنجر هستند و در میان آنها سنگ‌افراشته‌های انسان ریخت بی‌سلاح نیز یافت می‌شوند و این چنین به نظر می‌رسد که مقام روحانی و یا درباری با جنگجویان و سربازان در حال انجام مراسم آئینی هستند.



طرح ۱- انواع سلاح‌های نقش شده در سنگ‌افراشته‌های انسان ریخت (نگارندگان)

از موارد قابل تمایز در سنگ افراشته‌های انسان ریخت تفاوت در شکل کمربندها و تزیین روی آن‌ها با خطوط افقی، عمودی و مورب است که گاهی برجسته‌تر از زمینه سنگ منقور شده و گاهی هم بصورت خطی و کم عمق ایجاد شده است. طول کمربندها کل عرض سنگ افراشته انسان ریخت را پوشانده و پهنای آن متناسب با اندازه سنگ افراشته انسان ریخت است. در حالت کلی با توجه به موارد مذکور کمربندها را از لحاظ شکل و فرم تزیین به ۳۴ گروه تقسیم می‌شوند (طرح ۲).



طرح ۲- انواع تزیینات کمربند در سنگ افراشته‌های انسان ریخت (نگارندگان)

به نظر می‌رسد فرهنگ سنگ افراشته‌های انسان ریخت که وجوه افتراق محوطه شهریری با سایر محوطه‌های هم‌زمان در منطقه است؛ به نظر می‌رسد این فرهنگ به واسطه ارتباط با قفقاز در این منطقه گسترش یافته است. در ایران علاوه بر محوطه شهریری، فرهنگ سنگ افراشته‌های انسان ریخت در محوطه روستای احمد آباد در مشکین شهر (Burney, 1979) و قبول دره سی اهر نیز شناسایی شده است (ترابی طباطبایی ۱۳۵۵، ۴۸۲-۴۸۳). لازم به ذکر است که نمونه‌های یاد شده از لحاظ تکنیک و جزئیات تفاوت‌هایی با سنگ افراشته‌های شهریری دارند. لازم به توضیح است قرار دادن سنگ افراشته در اطراف قبور در دوره آهن منطقه امری رایج بوده که در برخی موارد این سنگ افراشته‌ها فاقد تصاویر انسانی هستند که از جمله می‌توان به محوطه قیرخ قیزلار (کامبخش فرد، ۱۳۷۰) اشاره کرد.

نمونه‌های مشابه سنگ افراشته‌های انسان ریخت در جمهوری آذربایجان از سه منطقه دوبندی، آستاراخان (Schachner, 2001, 132) و آق دام (Эфендиев, 1986: 2-3) شناسایی شده است. در شرق ترکیه این فرهنگ در حسن بیی (Ceylan 2015: 300) و اوتلو (Ceylan 2008: 216) و حکاری (Sevin, 2005) شناسایی شده و در کشور جمهوری ارمنستان نیز نمونه‌های مشابه گزارش شده است (Santrout et al, 1996, 114).

۶. نتیجه‌گیری

محوطه باستانی شهریری در مشکین‌شهر اردبیل یکی از شاخص‌ترین محوطه‌های عصر آهن حوزه شرقی شمال‌غرب ایران است که در سه فصل کاوش باستان‌شناسی طی سال‌های ۸۴، ۸۳، ۸۲، ۱۳۸۲ مورد مطالعه قرار گرفت. از مهمترین نتایج این کاوش‌شناسایی فرهنگ‌های مناطق شرقی شمال‌غرب ایران در عصر آهن است. این شاخصه‌ها شامل وجود قلعه‌های استحکاماتی با بهره‌گیری از موانع طبیعی دفاعی، گورستان‌های مرتبط با قلاع استحکاماتی و فضای آیینی همراه با سنگ‌افراشته‌های انسان‌ریخت هستند.

رود خانه قره‌سو عنصر جغرافیایی مهم منطقه بوده که تاثیر بسزایی در انتخاب محل ساخت قلعه داشته است؛ همچنین این رودخانه عنصر دفاعی طبیعی و نیز قطب جاذب جمعیت برای این محوطه به شمار می‌رود. قره‌سو از سمت جنوب‌شرق، شرق و شمال‌شرق محوطه شهریری را از زمین‌های مجاور جدا می‌سازد و قسمت غربی با دیوار دفاعی محافظت می‌شده است. محوطه قلعه شهریری بر اساس نتایج مقاله حاضر از اواخر مفرغ میانی و مفرغ متاخر تا آهن III تداوم استقرار داشته است.

قدیمترین قسمت شناخته شده محوطه، معبد اولیه بوده که متعلق به فاز شکل‌گیری محوطه بوده است. اولین گروه سنگ‌افراشته‌های انسان‌ریخت مجموعه نیز از همین قسمت بدست آمده که عموماً فاقد نقش هستند. فاز توسعه محوطه در عصر آهن با سه شاخصه باستان‌شناختی قلعه استحکاماتی، معبد با بیش از ۵۰۰ سنگ‌افراشته انسان‌ریخت و گورستان وسیع مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

به نظر می‌رسد بعد از افزایش جمعیت، معبد اولیه متروک شده و معبد اصلی در غرب قلعه تشکیل یافته است. این محدوده آیینی در قسمت مرکزی محوطه باستانی شهریری قرار گرفته که فضایی با ۷ راهرو است که هر دو طرف این راهروها با سنگ‌افراشته‌های منقور به نقوش انسانی تزئین شده‌اند. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که محوطه معبد از محوطه معبد اولیه داخل قلعه جدیدتر بوده و همزمان با عصر آهن II گسترش یافته است.

منابع

ابتهاج، ویدا (۱۳۸۳)، "بررسی ساختار معماری قبور مگالیتیک عصر آهن ایران: مطالعه موردی محوطه شهریری اردبیل" پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، استاد راهنما: علیرضا هژبری‌نوبری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی (منتشر نشده).

پورفرج، اکبر (۱۳۸۶)، بازنگری عصر آهن شمال‌غرب ایران مطالعه موردی محوطه شهریری اردبیل و قلاع اقماری. پایان نامه مقطع دکتری باستان‌شناسی، استاد راهنما: علیرضا هژبری‌نوبری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی (منتشر نشده).
پورفرج، اکبر (۱۳۹۱)، "تبیین و گاهنگاری فرهنگ کورگان‌های شرق شمال‌غرب ایران؛ بر اساس بررسی و کاوش در قلعه بویینی یوغون نیر"، *مطالعات باستان‌شناسی*، دانشگاه تهران: شماره ۱ دوره ۴، ۵۹-۸۲.

ترابی طباطبایی، سید جمال، (۱۳۵۵)، *آثار باستانی آذربایجان*، جلد دوم، چاپ اول، تهران، انجمن آثار ملی.
خانعلی، حمید، (۱۳۹۷)، *تحلیلی بر روابط فرهنگی شمال‌غرب ایران و قفقاز بر اساس مطالعه موردی سنگ‌افراشته‌های انسان ریخت بدست آمده از مطالعات باستان‌شناسی محوطه نیایشگاه شهریری استان اردبیل*، پایان نامه مقطع دکتری باستان‌شناسی، استاد راهنما: علیرضا هژبری‌نوبری، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی (منتشر نشده).

خانعلی، حمید، (۱۳۹۳)، گزارش تعیین عرصه و پیشنهاد حریم تپه‌ی باستانی قایلیق روستای طولش شهرستان خلخال. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (منتشر نشده).

رضالو، رضا، (۱۳۸۶)، *ظهور جوامع با ساختار پیچیده سیاسی و اجتماعی در دوران مفرغ جدید در حوزه جنوبی رود ارس با بررسی موردی داده های باستان شناسی قلعه خسرو*. پایان نامه مقطع دکتری باستان شناسی، استاد راهنما: مسعود آذرنوش، تهران: دانشگاه تربیت مدرس، دانشکده علوم انسانی (منتشر نشده).

کاظم پور، مهدی و دیگران، (۱۳۹۱)، "نگرشی نو به گورهای کلان سنگی آذربایجان شرقی براساس یافته‌های محوطه زردخانه"، دانشگاه تهران: *مطالعات باستان شناسی*، ۴(۱)، ۱۷۴-۱۵۵.

کامبخش فرد، سیف‌الله، (۱۳۷۰)، *تهران سه هزار و دویست ساله*، تهران، نشر فضا.

هژبری نوبری، علیرضا. ۱۳۸۳، *گزارش کاوش فصل دوم محوطه شهریری*. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (منتشر نشده).

----- ۱۳۸۴، *گزارش کاوش فصل سوم محوطه شهریری*. تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری (منتشر نشده).

هژبری نوبری، علیرضا و اکبرپورفرج، (۱۳۸۵)، "تبيين دوران وسنگی و کالکولتیک منطقه اردبیل بر اساس داده‌های باستان شناسی قوشاتپه شهریری"، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران*، ۲-۱۸۰، ص ۱-۲۷.

هژبری نوبری، علیرضا و حمید خانعلی و آنیل یلماز و سیدمهدی موسوی کوهپیر و کریم حاجی زاده، (۱۳۹۷)، "تحلیل مؤلفه‌های جغرافیایی و فرهنگی-اجتماعی مؤثر بر فرایند شکل‌گیری و توسعه محوطه باستانی شهریری"، *برنامه‌ریزی و آمایش فضا*، ۲۲(۱)، ۲۱-۱.

Burney, C.A., 1979. *Meshkinshahr Survey. Iran*, 17, pp.155-6.

Ceylan, A., Özgül, O., Günaşdı, Y. and Erdoğan, S., 2015. *Doğu Anadolu araştırmaları: Erzurum-Erzincan-Kars-Iğdır (2008-2014)*. Atatürk Üniversitesi Yayınları.

Ingraham, M.L. and Summers, G., 1979. *Stelae and settlements in the Meshkin Shahr plain, northeastern Azerbaijan, Iran*. *Archäologische Mitteilungen aus Iran Berlin*, 12, pp.67-102.

Santrout, J. and Badalian, R.S., 1996. *Arménie: trésors de l'Arménie ancienne; des origines au IVE siècle [à l'occasion de l'Exposition Arménie, des Origines au IVE Siècle; Nantes, du 22 mars au 15 septembre 1996]*. Somogy, Éd. d'Art.

Schachner, A., 2001. *Zur Bildkunst des 2. Jahrtausends v. Chr. zwischen Kaspischem Meer und Van-See am Beispiel einer Stele im Museum von Astarra (Azerbaycan)*. *Archäologische Mitteilungen aus Iran und Turan*, 33, pp.115-142.

Sevin, V., 2005. *Hakkâri taşları: çıplak savaşçıların gizemi*. Yarı Kredi Yayınları.

Әфәндијев, Р., 1986. *Каменная пластика Азербайджана. Ишыг*.